

دانشگاه فرهنگیان
فصلنامه علمی - تخصصی
پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی
دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹

تحلیلی بر روش‌های تدریس در آموزش مطالعات اجتماعی

فاطمه ساکی^۱

ارسال: ۱۳۹۹/۸/۱۰

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

چکیده

این پژوهش با هدف «تحلیلی بر روش‌های تدریس در آموزش مطالعات اجتماعی» به روش کتابخانه‌ای و از طریق منابع کتابخانه، اسناد و مدارک چاپ‌شده و بانک‌های اطلاعاتی انجام شده است. از این رو، در پژوهش حاضر به تحلیل و مقایسه‌ی برخی از روش‌های تدریس متداول در آموزش مطالعات اجتماعی پرداخته شده است. نتایج نشان داد، با توجه به اینکه اطلاعات و توانایی‌های افراد متفاوت است، باید از روش‌های تدریسی بهره جست که به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه نماید. در بین برنامه‌های درسی مدارس، برنامه درسی «مطالعات اجتماعی» با توجه به ساختار و مفاهیم این رشته، فرصت‌های غنی و فراوانی را برای رشد گرایش‌ها و مهارت‌های موردنیاز فراگیران در زندگی فردی و اجتماعی آنان فراهم می‌سازد. دستیابی به این اهداف نیازمند حضور معلمان توانمند در به‌کارگیری روش‌های متنوع و تدارک فرصت‌های مناسب یادگیری است که بتوانند واحدهای یادگیری را با تأکید بر مهارت مسأله‌یابی و ظرفیت‌های محیطی فراگیران به شیوه‌های مختلف و با بهره‌گیری از روش‌های جدید، طراحی و تدوین نمایند. همچنین معلمان این درس، باید مهارت تحلیل برنامه درسی و تطبیق آن با نیازهای یادگیرندگان را داشته باشند و بتوانند با شناختی مناسب نسبت به برنامه درسی مطالعات اجتماعی، فرصت‌های یادگیری اثربخشی را طراحی نموده و به دانش‌آموزان کمک کنند تا درکی بنیادین از مفاهیم علمی به دست آورند؛ سؤال کنند، به کاوش بپردازند، استدلال کنند، با یکدیگر همکاری و مشارکت نمایند، دانسته‌هایشان را با یکدیگر در میان بگذارند و نظرات خود را ارائه نمایند با توجه به یافته‌های تحقیق، به‌کارگیری روش‌های تدریس پرسش و پاسخ، پروژه، رویدادهای اجباری، ایفای نقش، روش مشارکتی و بازدید علمی به‌تناسب درس و به‌صورت تلفیقی توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: تدریس، آموزش، مطالعات اجتماعی، روش ایفای نقش، روش مشارکتی.

^۱ - دبیر آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه فرهنگیان

مقدمه و بیان مسأله

پیشرفت هر جامعه در گرو توان آموزشی آن جامعه است و کارایی هر نظام آموزشی را با سنجش میزان دستیابی دانش‌آموختگان آن نظام به هدف‌های آموزشی می‌توان برآورد نمود، هدف‌های آموزشی همچنین تعیین‌کننده روش‌ها و برنامه‌های آموزشی هستند. موفقیت و پیشرفت تحصیلی در هر جامعه هدف‌یابی و رفع نیازهای فردی است (تمنایی‌فر و گندمی، ۱۳۹۰، نقل از یارمحمدی واصل، ۱۶۱: ۱۳۹۸). از طرفی، در میان مجموعه فعالیت‌هایی که برای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان انجام می‌شود، بیشترین سهم به تدریس معلم در کلاس درس اختصاص می‌یابد (صفوی، ۱۳۹۴: ۶۳)؛ و این در صورتی است که متأسفانه در بسیاری از نظام‌های آموزشی به دلیل گسترش و توسعه سریع مدارس و به‌کارگیری نیروهای اجرایی غیرمتخصص و تربیت نشده عاداتی نامطلوب بر فرآیند تدریس حاکم شده است، مخصوصاً آن دسته از عادت‌های غلطی که جانشین همفکری، تعامل و مشارکت دانش‌آموزان در کلاس درس شده‌اند و هرگونه آزادی اندیشه، نقادی و نوآوری را از آنان گرفته‌اند و به‌جای استفاده از روش‌های جدید تدریس بر روش‌های سنتی با فشاری می‌کنند (شعبانی، ۱۳۹۶: ۱۲۴).

از این‌رو، مهم‌ترین تحولات در نظام آموزشی، شامل تحول در نگرش و روش تدریس معلمان و مدیران اجرایی نظام آموزشی می‌باشد. الگوهای تدریس جزو مهارت‌های فنی معلمان محسوب می‌شود و هنر معلم در کیفیت انتخاب و اجرای آن‌هاست. از آنجا که اطلاعات و توانایی‌های افراد متفاوت است باید از روش‌های تدریسی بهره جست که تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را لحاظ نماید. امروزه الگوهای جدید تدریسی که بتوانند فعالیت‌های دانش‌آموزان را تقویت و یادگیری را به یک جریان دوسویه تبدیل کنند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند، ولی متأسفانه اغلب فرآیندهای آموزشی، آثار و اهداف موردنظر یادگیری را به دست نمی‌آورند و کلاس محل تکثیر دانش و اطلاعات می‌شود و معلم می‌کوشد تمام مفاهیم را در ذهن دانش‌آموز انبار کند و خلاقیت، نوآوری و رشد و توسعه‌ی استعداد‌های آنان را نادیده بگیرد که چنین یادگیری نیز پایدار نخواهد بود (کیاحسینی و دوستی، ۱۳۹۴: ۱۲). در همین راستا، در یافته‌های پژوهشی چنین ارائه شده است که در تدریس دروس مطالعات اجتماعی معلمان در دستیابی به اهداف نگرشی و مهارتی موفق عمل نکردند و این سطوح از برنامه‌ی درسی در عمل حذف شدند. در ارائه محتوا به سطح دانش در حیطه‌ی شناختی بسنده شد و سطوح بالای این حیطه نادیده انگاشته شد. عدم

استفاده از روش‌های تدریس فعال، مهم‌ترین فرآیندی است که سبب بروز محتوای مغفول شد. در مرحله اجرای برنامه درسی مطالعات اجتماعی، عواملی مانند دشواری محتوا، کمبود زمان، ناکافی بودن فضا و امکانات و ارزشیابی نامناسب مانع پدیداری برنامه درسی مطالعات اجتماعی شده است (بهرامی‌پور، کیان و نیکنام، ۱۳۹۵: ۹). متأسفانه در بسیاری از مدارس از روش‌های منسوخ آموزش استفاده می‌شود که سبب منفعل شدن دانش‌آموزان در مدرسه و جامعه می‌شود. کلاس‌های مطالعات اجتماعی هنوز هم همان کلاس‌های قبلی را در ذهن تداعی می‌کنند و همچنان معلمان از روش سخنرانی برای تمرین و تکرار اهداف استفاده می‌کنند و فرصتی برای گفتگوی آزاد و به‌کارگیری روش‌های فعال باقی نمی‌گذارند (بهرامی‌پور، کیان و نیکنام، ۱۳۹۵: ۳۱). درجایی دیگر چنین آمده که نظام‌های آموزشی و معلمان بیش از آنکه عمل کنند حرف می‌زنند آنان با روش‌های خشک قالبی، دیکته کردن کتاب‌های درسی و برنامه‌های فشرده خود، قدرت اندیشیدن را از شاگردان گرفته‌اند. مدارس به جای انتقال و انباشتن حقایق علمی به ذهن شاگردان، بایستی به روش‌های فعال که باعث افزایش قدرت تفکر انتقادی و اندیشیدن در دانش‌آموزان می‌شود تأکید کنند (بهرنگی و آقایی، ۱۳۸۳، بدری‌گرگری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۸). نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه و همچنین مشاهدات پژوهشگر در مدارس، در شکل‌گیری دغدغه و مسأله‌ی اصلی این پژوهش در خصوص چگونگی مواجهه کاربردی معلمان با روش‌های تدریس در درس مطالعات اجتماعی شکل داشته و قصد تحلیلی کاربردی بر آن را دارد.

مبانی نظری پژوهش

تدریس

تدریس را می‌توان به فعالیت‌های دو جانبه‌ای که بین معلم و شاگردان جریان دارد و هدفش یادگیری است، تعریف کرد. این فعالیت چنانچه منتج به یادگیری شود، برای شاگرد مؤثر و مفید خواهد بود. بنا به تعریف، هر فعالیتی با قصد و عمد همراه است. قصد معلم در امر تدریس این است که شاگردان چیزی یاد بگیرند. همچنین، تدریس یک کنش متقابل بین شاگردان و معلم است. کنش متقابل یعنی اینکه معلم بر شاگردان اثر می‌گذارد و برعکس شاگردان هم فعالیت او را تحت تأثیر قرار می‌دهند. البته این اثر متقابل ممکن

است به صورت غیرمستقیم باشد. برای این که تأثیر معلم به هنگام تدریس و سایر فعالیت‌های تربیتی بر شاگردان بیشتر شود باید به دو عامل مسلط باشد، یکی نحوه‌ی ارائه درس و دیگری به موضوعی که می‌خواهد تدریس کند (صفوی، ۱۳۹۴: ۱۴۱).

فرآیند تدریس شامل سه عنصر محتوا، فعالیت و منابع و امکانات است. (۱) محتوا: محتوا اصول و مفاهیمی است که در قالب یک برنامه‌ی درسی ارائه می‌شود. دانش‌آموزان با مطالعه، تحلیل و تمرین محتوا هدف‌های آموزشی را محقق می‌سازند. محتوای هر درسی ساختار ویژه خود را دارد که تا حدی نوع فعالیت و شیوه‌های تدریس معلم را مشخص می‌کند (شعبانی، ۱۳۹۶: ۱۱۸). (۲) فعالیت: فعالیت یا رخداد‌های آموزشی مشخص‌کننده‌ی نوع کنش و واکنش معلم و دانش‌آموزان در کلاس درس است. (۳) منابع و امکانات آموزشی: منابع و امکانات آموزشی، یعنی مجموعه تجهیزاتی است که برای تدریس لازم است (حسینی، ۱۳۹۶: ۵۱).

رویکرد محتوا مبتنی بر اهداف

اصولاً محتوای برنامه‌های آموزشی بر اهداف تعیین شده مبتنی‌اند. اگر اهداف تعیین شده بر اصالت مواد درسی و انتقال حقایق علمی مبتنی باشد، باید محتوای ثابتی در سراسر کشور تدریس شود. در چنین حالتی معلمان آزادی عمل و ابتکار چندانی در انتخاب و سازمان‌دهی محتوا نخواهند داشت. آن‌ها باید بدون توجه به تفاوت‌های فردی محتوای یکسانی را با روشی ثابت به همه دانش‌آموزان ارائه دهند و با توسل به شیوه‌های درست یا نادرست سعی کنند که اهداف تعیین شده را تحقق بخشند. چنین محتوایی برای دانش‌آموزان خسته‌کننده خواهد بود و آنان را از محیط مدرسه و کلاس درس روی گردان خواهد کرد. برعکس اگر اهداف تعیین شده بر رشد همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان مبتنی باشد؛ علایق، توانایی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان محور فعالیت‌های آموزشی قرار خواهد گرفت و معلمان ابتکار و خلاقیت بیشتری در امر تدریس از خود نشان خواهند داد. در این حالت یادگیری به محفوظات ختم نخواهد شد، بلکه توجه به پرورش تفکر و رشد همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان، مدرسه را با زندگی واقعی هماهنگ خواهد ساخت و دانش‌آموزان از بودن در مدرسه و فعالیت‌های آن لذت خواهند برد (شعبانی، ۱۳۹۶: ۹۱).

رویکرد فعالیت در فرآیند تدریس

فعالیت‌ها در فرآیند تدریس به‌گونه‌ای است که اگر در اجرای یک برنامه آموزشی نقش معلم کنترل محیط آموزشی باشد، در این صورت وی باید از اصول و قواعد خاصی در تدریس پیروی کند و واکنش ویژه‌ای از خود نشان دهد، به سؤالات دانش‌آموزان پاسخ گوید و از آن‌ها نیز انتظار مشابه داشته باشد؛ اما اگر معلم نقش راهنما و مشاور را داشته باشد، در این صورت باید آنان را به جستجو، کنجکاوی و پژوهش وا دارد و با معرفی منابع آن‌ها را تشویق کند که پاسخ پرسش‌های خود را شخصاً پیدا کنند؛ بنابراین علاوه بر محتوا، نوع فعالیت نیز تا حد زیادی تعیین‌کننده خط‌مشی معلم در فرآیند تدریس است (حسینی، ۱۳۹۶:۳۶).

منابع و امکانات آموزشی

اجرای بعضی از روش‌های تدریس مستلزم گذراندن دوره‌های آموزشی خاصی است تا معلم مهارت لازم را برای ایفای نقش در تجهیز منابع و امکانات کسب کند. وجود یا فقدان امکانات آموزشی و نحوه سازمان‌دهی آن‌ها در فرآیند تدریس بسیار مؤثر است و در صورت فقدان امکانات لازم یا عدم سازمان‌دهی صحیح آن‌ها نمی‌توان از معلم انتظار یک تدریس فعال و مؤثر را داشت؛ اگرچه یک معلم خوب در شرایط محدود نیز می‌تواند مؤثر باشد (حسینی، ۱۳۹۶:۴۳).

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی

اصلی‌ترین نقش‌ها و کارکردهای نهاد آموزش و نظام آموزش و پرورش، جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان و فراگیران و تسریع در فرآیند اجتماعی شدن آنان است. می‌توان مدعی شد که مرتبط‌ترین کتب درسی با مبحث اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری)، کتب مطالعات اجتماعی است. از طرف دیگر، آموزش اثربخش مفاهیم و ارزش‌ها و مهارت‌های زندگی در مطالعات اجتماعی به دانش‌آموزان، نقش تعیین‌کننده‌ای در برقراری ارتباط مثبت و سازنده با دیگران و مشارکت‌پذیری آنان در فعالیت‌های جمعی برای روبرو شدن با تغییرات و تحولات محیط اجتماعی در سطح ملی و جهانی دارد (میرزایی، ۱۳۹۸:۷).

در همین راستا، در بین برنامه‌های درسی مدارس، برنامه درسی «مطالعات اجتماعی» با توجه به ساختار و مفاهیم رشته، فرصت‌های غنی و فراوانی را برای رشد گرایش‌ها و

مهارت‌های موردنیاز را فراهم می‌سازد و این در صورتی است که معلمان مطالعات اجتماعی هنوز توانایی پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی و استدلال در دانش‌آموزان را ندارند (ویرجی و آدورف، ۱۹۹۴ به نقل از نوشادی و خادمی، ۱۳۹۰) ارزش‌ها و مفاهیم مورد تأکید در برنامه درسی و آموزش مطالعات اجتماعی شامل درک صحیح از مفاهیم دموکراسی و جامعه آزاد، پذیرش زندگی اجتماعی و مسئولیت فردی است. در همین رابطه، هدف رشته مطالعات اجتماعی باید جست‌وجوی حقیقت و درک مفاهیم باشد نه یادسپاری مفاهیم و مطالب؛ حقیقت و مفاهیم نیز بایستی به‌طور نقادانه به آزمون گذاشته شوند. از این‌رو مطالعات اجتماعی به‌عنوان ترویج دهنده روحیه انتقادی عمل می‌کند تا تفکر را جایگزین تلقین نماید (مک کاجن، ۱۹۹۵). مطالعات اجتماعی همواره در جست‌وجوی معنا است، همواره جرأت «پرسیدن‌های بی‌شمار» را در دانش‌آموزان رشد می‌دهد؛ در این زمینه تفکر انتقادی آزمونی مداوم، دقیق و فعال برای هرگونه عقیده یا روش تعیین حقیقت به شمار می‌رود (محمودی بردزردی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲).

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از منابع مختلف و نیز بانک‌های اطلاعاتی انجام شده است. در این پژوهش تلاش شده است، با مطالعه تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، با روش تحلیلی به تحلیل و مقایسه‌ی برخی از روش‌های تدریس متداول و کاربردی در آموزش مطالعات اجتماعی بپردازیم.

روش‌های تدریس مناسب آموزش مطالعات اجتماعی در آینه پژوهش‌ها

۱) روش پرسش و پاسخ: محمودی بردزردی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان "طراحی الگوی آموزشی مبتنی بر پرسش و پاسخ برای درس مطالعات اجتماعی و بررسی اثربخشی آن بر درک مفاهیم و تفکر انتقادی دانش‌آموزان"، به مطالعه‌ی اثربخشی روش پرسش و پاسخ در آموزش مطالعات اجتماعی پرداختند و چنین آورده‌اند که: پرسش و پاسخ، روشی است که معلم به‌وسیله آن، دانش‌آموز را به تفکر درباره‌ی مفهومی جدید یا بیان مطلبی تشویق می‌کند در این روش دانش‌آموز تلاش می‌کند با فعالیت‌های ذهنی، از مجهول به معلوم حرکت کند؛ این روش را روش سقراطی نیز گفته‌اند. روش پرسش و پاسخ می‌تواند در کلیه روش‌های تدریس و فعالیت‌های آموزشی به کار رود.

این روش ممکن است برای مرور کردن مطالبی که قبلاً تدریس شده مفید باشد و یا وسیله‌ی مناسبی برای ارزشیابی میزان درک دانش‌آموز از مفاهیم مورد نظر باشد (صفوی، ۱۳۹۴: ۶۸). «برگر» در کتاب خود با عنوان «یک پرسش بسیار زیبا» می‌گوید: کودکان زندگی را با پرسیدن صدها پرسش در روز آغاز می‌کنند، اما به محض اینکه وارد مدرسه می‌شوند، پرسشگری در آن‌ها سرکوب شده و محو می‌شود، به باور او در فرهنگی از آموزش و پرورش و کسب کار که برای مسائل، پاسخ‌های طوطی‌وار پاداش دریافت می‌کنند، پرسشگری مورد تشویق قرار نمی‌گیرد و در واقع تحمل نمی‌شود (برگر، ۲۰۱۴). هدف تعلیم و تربیت، باید توانمند کردن دانش‌آموزان به طرح سؤال‌های خوب باشد (مهرمحمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

در پژوهش مذکور برخی از نکات اجرایی این روش به شرح زیر ارائه شده است:

۱) استفاده از سؤالات سطح پایین (دانش و یادآوری) به جای سؤالات فکری (معرفتی) در سطوح بالای شناختی؛ استفاده از سؤالات بسته و سطحی به جای سؤالات باز و تفکری و تعداد زیاد سؤال از نظر کمیت به جای تعداد کم سؤال؛ توجه به کیفیت (طرح سؤال در سطوح بالای حیطه شناختی).

۲) پرسیدن سؤال‌های آموزنده کار بسیار دقیق و حساسی است؛ ترس از واکنش‌های منفی کلاسی در بی‌رغبتی دانش‌آموزان به پرسش مؤثر است و برای استفاده از فلان پرسش در فلان موقعیت قاعده مشخص و قاطعی وجود ندارد؛ زیرا که در مورد جنبه‌هایی همچون نوع پاسخ‌دهنده و بافت اجتماعی باید پژوهش‌های زیادی انجام داد (هارجی، ساندرز و دیکسون، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

۳) به‌کارگیری راهبرد پرسشگری و تقویت پرسش و استدلال کردن در کلاس باعث می‌شود معلمان از الگوهای سنتی تدریس فاصله گرفته و به سمت الگوهای پرسشگری واگرا حرکت کنند (مارتین و هند، ۲۰۰۹).

۴) تقویت پاسخ‌های دانش‌آموزان، دادن فرصت بیشتر به دانش‌آموزان در طرح سؤال و یاددادن چگونگی طرح سؤال از سوی دانش‌آموزان.

۲) روش پروژه: میرزایی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان "راهبردهای تدریس مؤثر در آموزش مطالعات اجتماعی" چنین آورده است که: معمولاً پروژه دانش‌آموزی به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که بر اساس هدف‌های برنامه درسی طراحی می‌شود و تا حدودی پیچیده‌تر از تکالیف معمولی است و دانش‌آموزان به‌طور انفرادی یا گروهی آن را انجام

می‌دهند. عنوان فعالیت‌ها می‌تواند توسط معلم یا دانش‌آموز یا با همفکری هر دو انتخاب شود محل انجام فعالیت ممکن است کلاس، خارج از کلاس یا ترکیبی از هر دو باشد. فعالیت‌های پروژه‌ای برای دانش‌آموزان فرصتی فراهم می‌آورد تا مهارت‌های بهتر زندگی کردن و توانایی برخورد با مسائل زندگی را کسب کنند (میرزایی، ۱۳۹۸: ۲۷).

دلایل استفاده از راهبرد پروژه

(۱) کار پروژه‌ای موجب رشد و پرورش این دسته از مهارت‌ها و توانایی‌ها می‌شود: الف) مهارت در به‌کارگیری دانش و اطلاعات و خبرگی در حل مسائل مختلف، ب) توانایی کار کردن با دیگران (کار گروهی)، پ) تفکر واگرا و همگرا از طریق بها دادن به الهامات شهودی و جرعه‌های ذهنی آنی به موازات پرورش تفکر منطقی و طی مراحل گام‌به‌گام در حل مسأله، ت) خودتنظیمی و احساس مسئولیت، به علت دانش‌آموز محور بودن کار، در صورت موفقیت یا شکست، ث) قابلیت بروز خلاقیت، جرأت و جسارت دادن به بچه‌ها و تقویت روحیه فداکاری، ج) پرورش توانایی تجسم، پیش‌بینی و حدس و گمان.

(۲) کار پروژه‌ای از آن جا که مسئولیت کار را به خود دانش‌آموزان می‌سپارد و جریان یادگیری به‌وسیله خود آنان هدایت می‌شود، ارزشمند است؛ گرچه سایر روش‌های تدریس نیز ممکن است جنبه‌های فوق را پرورش دهند اما شیوه پروژه‌ای به لحاظ در هم آمیختن همه آن‌ها برای کسب توانایی در تکمیل پروژه، ارزش فوق‌العاده‌ای دارد (فلاحیان و همکاران، ۱۳۸۹).

(۳) روش رویدادهای جاری: میرزایی (۱۳۹۸) همچنین به روش دیگری تحت عنوان روش رویدادهای جاری اشاره داشته است که آن را یکی از مهم‌ترین و جدیدترین راهبردهای آموزشی در آموزش و تدریس مطالعات اجتماعی، معرفی کرده است و چنین آورده است که توجه به راهبرد رویدادهای جاری هر آنچه در یک اجتماع محلی یا منطقه‌ای و یا جوامع شهری و کشوری و یا سطوح بالاتر مانند قاره‌های و جهانی رخ می‌دهد و به وقوع می‌پیوندد، می‌توان آن‌ها را رویدادهای جاری تلقی کرد معلم در انتخاب رویدادهای جاری در فرایند تدریس باید تناسب آن رویداد با اهداف درس و محتوای آموزشی موردنظر را لحاظ کند.

ویژگی‌ها و مختصات رویدادهای جاری

۱. واقعی بودن؛ رویدادهای جاری پیرامون زندگی ما و فراگیرندگان، مسائلی واقعی‌اند و خارج از ذهن ما جریان دارند و به همین دلیل، قابل شناخت هستند.

۲. قابل مشاهده بودن؛ رویدادهای جاری به دلیل واقعی بودن، عینی و قابل مشاهده‌اند و در نتیجه از سنخ انتزاعی و ذهنی محسوب نمی‌شوند و فاقد مشکلات شناختی این قبیل مفاهیم انتزاعی‌اند.

۳. چندبعدی بودن؛ رویدادهای جاری به دلیل ماهیت، دارای چند بعدی‌اند و این، همان ماهیت پدیده‌های اجتماعی است؛ پس این رویدادها می‌توانند کانون یا هسته خوبی برای تلفیق موضوعات مختلف مورد نظر باشند.

۴) روش ایفای نقش: جمشیدزهی و دهدار (۱۳۹۸) در پژوهشی در خصوص این روش بیان می‌دارد که، در این روش، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که یک قطعه نمایش یا تئاتر را اجرا کنند، به‌گونه‌ای که در این فرایند، هر یک از فراگیران، ایفای نقش خاصی را به عهده بگیرند. از طریق این روش، می‌توان بسیاری از مهارت‌ها، از قبیل فن بیان، ایجاد ارتباط و ابراز وجود را به دانش‌آموزان یاد داد (سیف، ۱۳۹۶: ۲۱۷). ایفای نقش به مثابه یک روش تدریس ریشه در دو بُعد شخصی و اجتماعی فرد که مورد تأکید آموزش و پرورش است دارد. در قالب روش تدریس حاضر تلاش می‌شود به یادگیرندگان یاری گردد تا معنا و مفهوم خویش را در درون فضای اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، بیابند و نکات مبهم تصورات خود را درباره وجود خویش با یاری گرفتن در گروه‌های اجتماعی روشن سازند. روش حاضر ایجاد می‌کند که در آن یادگیرندگان در تحلیل موقعیت‌های اجتماعی به‌صورت همیار و مشترک فعالیت می‌کنند، به‌ویژه یادگیرندگان راه‌حل مسائل بین شخصی را در این روش می‌یابند و شیوه آزادمنشانه برای پرداختن به انواعی از موقعیت‌های اجتماعی را به وجود می‌آورند. این نوع یادگیری‌ها سبب می‌شود تا یادگیرندگان خود را همراه و همگام با موضوعات درسی و در متن زندگی فردی و اجتماعی خویش ببینند و آنچه را در تفکر و پندار دارند به طرقی عینیت ببخشند و با سازگاری‌هایی که از عهده‌شان برمی‌آید توانمندی‌های خویش را درک کنند، در تقویت آن‌ها بکوشند یا تصمیم بگیرند تلاش‌های بیشتر و بیشتری را به ثمر برسانند.

مزایای روش ایفای نقش: ۱) فراگیران خود را با مفهوم اصلی موضوع درس درگیر می‌کنند. ۲) یادگیرندگان خود را در درون زندگی می‌بینند و با آنچه در زندگی هست اعم از دانستنی‌ها و خواستنی‌ها ارتباط برقرار می‌کنند و با آن‌ها دم‌ساز می‌شوند. ۳) انجام دادن این روش همکاری‌های متقابل بین فراگیران و معلم را تقویت می‌کند و سبب وحدت و هماهنگی در

کلاس می‌شود (۴) با اجرای این روش، زمینه بحث گروهی فراهم می‌شود. (۵) - فراگیری که مشاهده‌کننده هستند در احساس ایفاگران نقش، سهیم می‌شوند و خود را در صحنه نمایش احساس می‌کنند؛ که این ارتباط عاطفی در یادگیری و القای احساسات تأثیر فراوان دارد.

۵) روش مشارکتی: جمشیدزهی و دهدار (۱۳۹۸) همچنین به روش دیگری که بر آموزش مطالعات و علوم مؤثر بوده اشاره داشته‌اند که آن روش تدریس مشارکتی است. روش مشارکتی یکی از روش‌های تدریس است که در آن فراگیران (دانش‌آموزان) در فرایند یادگیری مشارکت دارند. یادگیری مشارکتی عبارت است از: کاربرد آموزشی گروه‌های کوچک به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان برای به حداکثر رساندن یادگیری خود و دیگران با یکدیگر همکاری می‌کنند. یادگیری مشارکتی الگویی از آموزش است که دانش‌آموزان به‌منظور دستیابی به هدفی مشخص و برای اجرای کامل یک وظیفه محوله با یکدیگر در آن همکاری می‌کنند و یاد می‌گیرند که یکدیگر و مکانی که در آن آموزش می‌بینند را بیشتر دوست داشته باشند و مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت را به نحو مؤثری بیاموزند و به کار گیرند. به اعتقاد کارشناسان تعلیم و تربیت دانش‌آموزانی که از طریق همکاری به یادگیری می‌پردازند نه تنها بهتر فرا می‌گیرند و به پیشرفت تحصیلی دست می‌یابند بلکه از یادگیری لذت بیشتری می‌برند؛ زیرا به‌جای این که تنها شنونده باشند فعالانه در جریان یادگیری مشارکت می‌کنند و خود را مسئول یادگیری خویش می‌دانند (جمشیدزهی و دهدار، ۱۳۹۸، ۴۴-۳۱)

۶) روش سخنرانی: روش‌های سنتی به‌طور کلی روش‌های کهنه و منسوخ نیستند (بدری گرگری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۹). روش سخنرانی یکی از روش‌های بسیار کاربردی است که در دروس مختلف مورد استفاده قرار گرفته و در کنار بسیاری از روش‌ها به صورتی تلفیقی به کار گرفته می‌شود. در این روش معلم مطالب و موضوعات درسی را به‌صورت شفاهی بیان می‌کند. شاگردان ضمن گوش دادن به سخنان معلم، ممکن است یادداشتهایی هم بردارند و یا ساکت و صامت در کلاس بنشینند. نتیجه‌ای که از این روش تدریس حاصل می‌شود، بستگی به نوع گفته‌های معلم و چگونگی اثراتی که بیان او می‌تواند بر روی شاگردان داشته باشد، دارد. سخنرانی می‌تواند رسمی یا غیررسمی باشد. در سخنرانی غیررسمی شنوندگان می‌توانند اظهار نظر و سؤالات خود را مطرح کنند. قطعاً سخنرانی غیررسمی برای تدریس مناسب‌تر است، زیرا باعث پیدایش افکار انتقادی در

دانش‌آموزان می‌شود. روش سخنرانی می‌تواند بیان یک واقعیت، عقیده و یا طرح یک مسأله باشد که در این صورت دانش‌آموزان وادار می‌شوند تا در حل آن مسأله شرکت فعال داشته باشند (مرتضوی‌زاده و ملکی، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

۷) روش تدریس گردش علمی (بازدید علمی): امروزه کلاس درس و مدرسه تنها مکان آموزشی نیستند، بلکه محیط خارج کلاس و مدرسه نیز می‌توانند به‌عنوان یک مکان آموزشی مورد استفاده قرار گیرند. فضلی‌انی (۱۳۸۲) به نقل از عبدالملکی، (۱۳۹۷: ۳۸) معتقد است؛ انتظار جامعه‌ی کنونی این است که دانش‌آموزان بخش اعظم تجارب و اطلاعات خویش را از محیط‌های خارج از مدرسه به دست آورند، زیرا به سبب محدودیت‌های آموزش رسمی مدرسه‌ای، امکان تجربه‌ی دست اول و شخصی برای فراگیران در مدارس وجود ندارد و معلم، با بیرون بردن دانش‌آموزان به خارج از کلاس و مدرسه می‌تواند خوشه‌چین اطلاعات و علوم زمان را در دسترس آنان قرار دهد. گردش علمی به دانش‌آموزان امکان می‌دهد که از طریق مشاهده طبیعت، وقایع، فعالیت‌ها، اشیاء و مردم، تجربه علمی به دست آورند. گردش علمی یا فعالیت تجربی خارج از مدرسه کاری است عملی که بیرون از کلاس، آزمایشگاه یا کتابخانه صورت می‌گیرد و شامل مطالعات مستقیم و دست اول درباره‌ی یک مسأله، جمع‌آوری اطلاعات از طریق مشاهده، پرسشنامه، مصاحبه، اندازه‌گیری، نمونه‌برداری و سایر فنون تحقیقات می‌باشد و از این طریق در مورد اعتبار فرضیه‌ها، تشخیص تغییرات یا درستی و صحت شرایط و موقعیت‌ها اطمینان حاصل می‌شود. فضای آزاد و بدون سقف، بهترین آزمایشگاه طبیعی برای دانش‌آموزان است. به‌طور کلی، گردش علمی می‌تواند شامل دیدار از یک شهر، موزه، نمایشگاه، کارخانه، مزرعه و... باشد. در این روش، معلم با بردن فراگیران به جاهایی نظیر پارک، موزه، باغ‌وحش و امثال این‌ها، آنان را با مفاهیم واقعی و عینی اهداف یادگیری مطرح شده در مدرسه و کلاس آشنا می‌سازد. گردش علمی حتماً دیدار از نقاط دوردست نیست، بلکه مشاهده محیط اطراف دانش‌آموز که امکان کسب تجارب آموزشی و علمی را برای او فراهم می‌کند را نیز می‌توان گردش علمی محسوب نمود (مقرب‌الهی، ۱۳۹۱) به نقل از عبدالملکی، (۱۳۹۷: ۳۹).

مقایسه تحلیلی به‌کارگیری روش‌های تدریس در آموزش مطالعات اجتماعی

با توجه به اینکه هدف از آموزش مطالعات اجتماعی در نظام آموزشی ما، آموزش اثربخش مفاهیم و ارزش‌ها و مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان است به‌طوری که وی

بتواند نقش تعیین کننده‌ای در برقراری ارتباط مثبت و سازنده با دیگران داشته باشد و از سطحی از مشارکت‌پذیری در فعالیتهای جمعی برای روبرو شدن با تغییرات و تحولات محیط اجتماعی در سطح ملی و جهانی برخوردار شود، نیازمند به آموزش کارآ و کاربردی در این درس به شدت احساس می‌شود. از سوی دیگر باید توجه داشت که در بین برنامه‌های درسی مدارس، برنامه درسی «مطالعات اجتماعی» با توجه به ساختار و مفاهیم رشته، فرصت‌های غنی و فراوانی را برای رشد گرایش‌ها و مهارت‌های موردنیاز را فراهم می‌سازد و ارزش‌ها و مفاهیم مورد تأکید در این برنامه درسی شامل درک صحیح از مفاهیم دموکراسی و جامعه آزاد، پذیرش زندگی اجتماعی و مسئولیت فردی است؛ بنابراین، هدف رشته مطالعات اجتماعی حوزه‌های وسیعی از زندگی فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد و نیازمند به کارگیری روش‌های تدریس کاربردی است که بتواند این مفاهیم و مهارت‌ها را به فراگیران آموزش دهد.

روش‌های تدریس ارائه شده هر یک می‌تواند با توجه به شرایط کلاس و نوع درس در تدریس دروس مطالعات اجتماعی به کارآید و تدریس معلم را اثربخش‌تر نماید. از این رو در ادامه برخی از مهم‌ترین روش‌های تدریس در آموزش مطالعات اجتماعی بر اساس کاربرد معیارهای مختلف ارائه شده است:

جدول ۱: مقایسه روش‌های تدریس از حیث کاربرد در موضوعات مختلف درسی

روش تدریس	آموزش تاریخ	آموزش جغرافیا	آموزش مدنی
پرسش و پاسخ	✓	✓	✓
پروژه	✓	✓	✓
رویدادهای جاری	✓	✓	✓
ایفای نقش	✓	-	✓
روش مشارکتی	✓	✓	✓
سخنرانی	✓	✓	✓
بازدید علمی	✓	✓	✓

منبع: یافته‌های تحقیق

با در نظر گرفتن ماهیت درس مطالعات اجتماعی و گستردگی مطالب و حوزه عمل این رشته و همچنین با توجه به یافته‌های تحقیق که در جدول ۱ آمده است؛ می‌توان استدلال نمود که تمامی روش‌های تدریس قابلیت استفاده در مباحث مختلف درسی در آموزش

مطالعات اجتماعی را دارند و در این جاست که هوشمندی معلم و توانایی به‌کارگیری مهارت‌های معلمی می‌تواند به کمک معلم آمده و نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب بهترین روش تدریس داشته باشند.

جدول ۲: مقایسه روش‌های تدریس از حیث نوع کاربرد انفرادی و گروهی

روش تدریس	آموزش انفرادی	آموزش گروهی
پرسش و پاسخ	✓	✓
پروژه	✓	✓
رویدادهای جاری	✓	✓
ایفای نقش	✓	✓
روش مشارکتی	✓	✓
سخنرانی	✓	✓
بازدید علمی	✓	✓

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که در فلسفه و اهداف آموزش مطالعات اجتماعی بیان شده است که این بخش از دانش، حوزه‌های مختلف زندگی فردی و گروهی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم‌زمان خود از حوزه‌های مختلف تأثیر می‌پذیرد و با در نظر گرفتن یافته‌های تحقیق که در جدول ۲ آمده است، می‌توان گفت تمام روش‌های تدریس معمول در نظام آموزشی ما قابلیت به‌کارگیری در آموزش‌های انفرادی و گروهی در درس مطالعات اجتماعی را دارند. البته این نکته مهم را باید یادآوری نمود که این کاربرد وسیع ناشی از گستردگی موضوعات این رشته و پوشش سطح وسیعی از زندگی فردی و گروهی انسان است که رشته مطالعات اجتماعی آن را شامل می‌شوند. کاربرد هر روش در موضوعات مختلف نیز، بستگی زیادی به آگاهی و مهارت مدرس و البته شرایط و امکانات آموزشی دارد.

جدول ۳: مقایسه روش‌های تدریس از حیث تحقق اهداف آموزشی و تربیتی

روش تدریس	اهداف آموزشی و تربیتی
پرسش و پاسخ	تقویت تفکر انتقادی، تقویت قوه استدلال
پروژه	افزایش مهارت‌های زندگی، توان حل مسأله، خودتنظیمی، احساس مسئولیت، بروز خلاقیت، افزایش جرأت ورزی و جسارت

مشاهده‌پذیری، امکان تلفیق دروس، کاربردی بودن محتوای درسی	رویدادهای جاری
تقویت فن بیان، ابراز وجود، اعتماد به نفس	ایفای نقش
ارتقای مهارت‌های اجتماعی و بروز خلاقیت	روش مشارکتی
تقویت تفکر انتزاعی، تقویت تمرکز و توجه	سخنرانی
تلفیق دنیای واقعی با دانش نظری، ارتقای مهارت‌های اجتماعی، تقویت روحیه گروهی	بازدید علمی

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۳ می‌توان چنین استدلال کرد که هریک از روش‌های تدریس قابلیت تأمین برخی از اهداف آموزشی و تربیتی را دارند، اما به جهت تنوع موضوعات رشته مطالعات اجتماعی و میان‌رشته‌ای بودن این شاخه از دانش، به‌کارگیری روش تلفیقی در روش تدریس و آموزش می‌تواند موجب هم‌افزایی در تأمین اهداف و محقق شدن درصد بیشتری از اهداف آموزش این رشته گردد.

نتیجه‌گیری

آموزش مطالعات اجتماعی نقشی اساسی در اجتماعی شدن فراگیران دارد. دستیابی به این هدف به معلمان توانمند در زمینه‌ی به‌کارگیری روش‌های متنوع و تدارک فرصت‌های یادگیری است ایشان با بتوانند واحدهای یادگیری را با تأکید بر مهارت مسأله‌یابی و ظرفیت‌های محیطی فراگیران به شیوه‌های مختلف و با بهره‌گیری از روش‌های جدید طراحی و تدوین نمایند همچنین باید مهارت تحلیل برنامه درسی و تطبیق آن با نیازهای یادگیرندگان را داشته و بتوانند با شناختی مناسب نسبت به برنامه درسی مطالعات اجتماعی فرصت‌های یادگیری اثربخشی را طراحی نمایند. به دانش‌آموزان کمک کنند تا درکی بنیادین از مفاهیم علمی به دست آورند، پرسش کنند، به کاوش بپردازند، استدلال کنند، با یکدیگر همکاری و مشارکت نمایند، دانسته‌هایشان را با یکدیگر در میان بگذارند، نظرات خود را ارائه نمایند، محتوا و موضوع را به شیوه‌های مختلف درک کنند. از این‌رو بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود معلمان در آموزش مطالعات اجتماعی به تنوع استفاده از روش‌های تدریس پرداخته و از طریق تلفیق این روش‌ها به اثربخشی تدریس خود بیفزایند، همچنین معلمان در آموزش مطالعات اجتماعی در بخش‌های مختلف از طریق روش‌های تدریس فعال دانش‌آموزان را در امر تدریس مشارکت داده و یادگیری آنان را در موضوعات مختلف عمق بخشند و یادگیری آنان را معنی‌دار نمایند.

همچنین مدیران آموزشی شرایط باز دیدهای علمی و همچنین بهره‌گیری از روش تدریس ایفای نقش و روش مشارکتی را در مدارس تسهیل نمایند. چنانچه معلمان آموزش مطالعات اجتماعی جهت دستیابی به اهداف این درس از طریق روش‌های تدریس نوین، دانش‌آموز محور و فعال اقدام نمایند، علاوه بر تحقق اهداف برنامه درسی، می‌توانند زمینه‌های یادگیری اثربخش و عمیق را در فراگیران تقویت کرده و یا فراهم آورند.

منابع

- جمشیدزهی، عبدالرزاق؛ دهدار، مجتبی (۱۳۹۸). تأثیر روش تدریس مشارکتی و روش ایفای نقش بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی شهر ایرانشهر. نشریه علمی تخصصی شباک، سال ۵ شماره ۵۰، ص ۴۴-۳۱.
- حسینی، سعید (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی طرح به‌کارگیری معلمان غیرمتخصص در مدارس ابتدایی (نیروهای مازاد مقطع متوسطه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد کرج.
- بدری گرگری، رحیم؛ رضایی، اکبر؛ جدی گرگری، جواد (۱۳۹۰). مقایسه تأثیر روش تدریس مبتنی بر تفکر فعال (روش مشارکتی) و روش تدریس سنتی در یادگیری درس مطالعات اجتماعی دانش‌آموزان پسر. آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)، ۴(۱۶)، ۱۲۰-۱۰۷.
- بهرامی‌پور، معصومه؛ کیان، مرجان؛ نیکنام، زهرا (۱۳۹۵). واکاوی ابعاد برنامه درسی مغفول مطالعات اجتماعی پایه هفتم متوسطه. فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۱۳۱، صص ۳۴-۹.
- رستگار، طاهره (۱۳۸۹). ارزشیابی در خدمت آموزش؛ رویکردهای نو در سنجش. تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۶). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. نشر دوران، تهران.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۶). روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت‌ها و راهبردهای تفکر). انتشارات سمت، تهران.
- صفوی، امان‌الله (۱۳۹۴). روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس. تهران: انتشارات سمت.
- فلاحیان، ناهید؛ آرام، محمداقبر؛ نادری، مریم؛ احمدی، آمنه (۱۳۸۹). روش آموزش مطالعات اجتماعی کد ۶۰۰۰. تهران، انتشارات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- کریمی، مرتضی‌محمدزاده قصر، اعظم؛ افشار، معصومه (۱۳۹۱). تأثیر روش تدریس مشارکتی بر گروه‌گرایی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول در شهر مشهد. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، دوره ۹ شماره ۳۳، صص ۱۰۵-۹۳.

کیاحسینی، زیبا؛ دوستی، وهاب (۱۳۹۴). مقایسه تأثیر آموزش به روش کلاس معکوس و روش تدریس متداول بر یادگیری دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی در درس ریاضی. چهارمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، همایشگران مهر اشراق.

محمودی بردزردی، سعید؛ فتحی‌آذر، اسکندر؛ محمودی، فیروز؛ بدری‌گرگری، رحیم (۱۳۹۶). طراحی الگوی آموزشی مبتنی بر پرسش و پاسخ برای درس مطالعات اجتماعی و بررسی اثربخشی آن بر درک مفاهیم و تفکر انتقادی دانش‌آموزان. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی ۷ (۳)، ۱-۳۴. مرتضوی‌زاده، س. ملکی، ح (۱۳۹۴). راهنمای تدریس (روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس). نشر عابد، تهران.

مهرمحمودی، محمود (۱۳۹۲). بازاندیشی فرایند یادهی - یادگیری و تربیت‌معلم. تهران: انتشارات مدرسه، چاپ سوم.

میرزایی، جمشید (۱۳۹۸). راهبردهای تدریس مؤثر در آموزش مطالعات اجتماعی. پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی دوره اول شماره ۲، ۲۷-۱.

هارجی، اون؛ ساندرز، کرسستین و دیکسون، دیوید (۱۹۹۴). مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت. تهران: انتشارات رشد.

یارمحمدی‌واصل، مسیب؛ نوشادی، بهناز؛ مقامی، حمیدرضا (۱۳۹۵). مطالعه تأثیر آموزش روش کاوشگری بر تفکر انتقادی در درس علوم تجربی. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۶ (۲)، ۱۵۹-۱۷۴.

Martin. A. M. & Hand. B. (2009). *Factors affecting the implem entation of argument in the elementary science classroom. A longitudinal case study. Research in Science Education*, 39, 17-38.